

# نقد و بررسی اجمالی دلایل تحریم شبیه‌سازی از منظر عالمان اهل سنت\*

□ ثریا رستمی<sup>۱</sup>  
□ عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور (واحد دانشفهان)

## چکیده

انسان در عصر تکنولوژی و شکوفایی علم و صنعت زندگی می‌کند و توانایی بشر را در دخالت و تصرف در عالم، مشاهده می‌نماییم. امروزه شاهد گسترش دامنه این توانایی به عرصه دانش ژنتیک و زیست‌شناسی می‌باشیم که دانشمندان بسیاری را در نقاط مختلف جهان، در این زمینه به ابداع و نوآوری ترغیب نموده، یکی از این ابداعات خیره‌کننده، فرایند شبیه‌سازی است که موضوع این مقاله است. این مطلب به قدری اهمیت دارد که عصر حاضر را با عنوان عصر ژنتیک می‌شناسند.

اکثر اهل سنت در بیشتر آرایشان به دلایلی متمسک شده و به تحریم شبیه‌سازی انسان پرداخته‌اند. اهم این دلایل عبارتند از:  
۱- از بین بردن نهاد ازدواج و نابودی خانواده؛

\* تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۶/۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۲/۲

۲- ابهام در روابط خویشاوندی؛

۳- از بین بردن مفهوم مادری و نبود پدر در موارد خاص؛

۴- ابهام در نفقه و ارث

....

این مقاله در صدد نقد و بررسی اجمالی دلایل حرمت شبیه‌سازی انسان از دیدگاه اهل سنت است.

واژگان کلیدی: شبیه‌سازی، ضرر، مصلحت، ژنتیک، حرمت، آرای اهل سنت.

#### مقدمه

پیشرفتهای به دست آمده در علوم جنین‌شناسی و ژنتیک و به طور خاص در باروری آزمایشگاهی (IVF) و غربالگری ژنتیکی، پایه روشهای جدید شبیه‌سازی جانوران گردید. شبیه‌سازی انسان نیز به موازات این پیشرفتها و تواناییها با سؤالات بسیاری روبه‌رو شده است.

قبل از آنکه این توانایی به تکامل خود برسد و استفاده از آن رایج گردد، باید به این پرسشها پاسخ داد. چرا که پیشرفتهای علمی از این دست، آثار اجتماعی گسترده و وسیعی را به دنبال خواهند داشت.

فناوریهای جدید در قرن بیست و یکم این امکان را به ما می‌دهد که دنیای طبیعی را در پایه‌ای‌ترین سطح خود، یعنی هسته و ژنها، دستکاری کنیم. این پیشرفتها به همان اندازه که امکانات زیادی به انسان داده و انسان را قدرتمند کرده، به همان اندازه نیز دلهره انسان را افزایش داده است؛ زیرا با داشتن تواناییهای زیاد، حتی خطاهای کوچک، خطرات بزرگی را به دنبال خواهد آورد. شبیه‌سازی از جانوران و امکان انجام آن در انسان، کشورهای بسیاری را وادار به تفکر درباره بایدها و نبایدهای آن کرده است (حسینی‌پژوه، ۱۳۸۴: ۲).

آثار زیستی مترتب بر شبیه‌سازی و دخالت در آفرینش انسان با کمک ابزار پزشکی و به طور غیر معمول ... ضرورت بررسی این پدیده نوین را از دیدگاه حوزه‌های گوناگون، به ویژه حوزه فقه اهل سنت دو چندان می‌کند.

لذا مقاله در دو گفتار بسیار کوتاه موضوع‌شناسی، حکم‌شناسی و دلایل و نقد حرمت آن تنظیم می‌گردد.

## گفتار نخست: موضوع‌شناسی

### الف) تعریف شبیه‌سازی

«کلون» واژه‌ای یونانی است که برای «جوانه» و «ترکه چوب» به کار رفته است. «کلونینگ» به تبع ریشه لغوی خود به معنای «جوانه زدن و تکثیر کردن» است. در علم زیست‌شناسی تولید مثل در طبیعت به دو شکل «جنسی» (sexual) و «غیر جنسی» (asexual) انجام می‌شود. در تولید مثل جنسی، اسپرم و تخمک به هم می‌پیوندند و زایگوت را تشکیل می‌دهند. در تولید مثل غیر جنسی «گامت» یعنی سلول جنسی دخالت ندارد، بلکه هر سلول غیر جنسی برای تشکیل سلولهای جدید، تقسیم می‌شود (صارمی، ۱۳۸۲: ۷۵). جوانه‌زنی در گیاهان، تشکیل دو یا چند قلوبی در رحم و شبیه‌سازی را می‌توان به عنوان مثالهایی از تولید مثل غیر جنسی نام برد (همان: ۷۸).

بدین صورت در شبیه‌سازی برای بارور کردن تخمک و تولید زایگوت، هسته تخمک را از آن خارج ساخته و به جای آن هسته یک سلول غیر جنسی که حاوی ۲۳ جفت کروموزوم می‌باشد، قرار می‌دهند. تولید زایگوت بدون استفاده از اسپرم، اولین مرحله شبیه‌سازی را تشکیل می‌دهد.

شبیه‌سازی فرایندی است غیر جنسی که طی آن هسته سلول غیر جنسی به طور مستقیم درون تخمک تزریق می‌شود و اسپرم در آن دخالت ندارد. زایگوت را درون رحم قرار می‌دهند تا به شکل یک موجود زنده به تکامل برسد. حال آنکه در تولید موجودات زنده بر خلاف روال معمول از ترکیب یک سلول نر و یک سلول ماده به وجود نیامده‌اند، اما از نظر ژنتیکی به طور کامل شبیه همان موجودی هستند که سلول یا سلولهای اولیه از آن جدا شده‌اند. هر یک از موجودات جدید را «کلون» می‌گویند که از نظر ژنتیکی شبیه هم هستند (42: Human cloning and human dignity).

### ب) اقسام شبیه‌سازی انسان

شبیه‌سازی انسان بر سه قسم است: شبیه‌سازی رویانی، درمانی و تولیدی.

## ۱- شبیه‌سازی رویانی

در این شبیه‌سازی، یک سلول را قبل از رسیدن به مرحله تقسیمات جنینی و با ایجاد تحریکات به دو سلول تقسیم می‌کنند که هر دو سلول از لحاظ نقشه (فرم) ژنتیکی کاملاً شبیه هم هستند. دوقلوهای همسان نتیجه چنین فرایندی هستند (صارمی، ۱۳۸۲: ۱۰). اگر چنین فرایندی در طبیعت صورت گیرد، طبیعی (عادی) است و در غیر این صورت مصنوعی خوانده می‌شود. سلولهای بنیادی رویانی در انسان می‌تواند به صورت هر یک از ۲۱۰ نوع سلولی که جسم یک انسان را تشکیل می‌دهد، رشد یابند (همان: ۱۵).

## ۲- شبیه‌سازی درمانی

شبیه‌سازی درمانی عمدتاً برای درمان امراض لاعلاج استفاده می‌شود. سلولهایی که اطلاعات تمامی بافتها و اعضا در آنها به صورت فعال وجود دارد و به مرحله تخصص نرسیده است، برای تولید بافت یا عضو کامل و جهت پیوند به همان فرد دهنده استفاده می‌شود (همان: ۲۵).

## ۳- شبیه‌سازی تولیدی

این نوع شبیه‌سازی برای تولید حیوان استفاده می‌شود. بدون تردید درباره انسان نیز چنین اتفاقی رخ می‌دهد. در تولید مثل غیر جنسی، موجود جدید همه ماده ژنتیک خود را تنها از (والد) می‌گیرد، و بنابراین کاملاً شبیه اوست (فاضلی: ش ۴۴، ص ۲۴۱). و همین نوع از شبیه‌سازی است که موضع نزاع می‌باشد.

## (ب) تاریخچه شبیه‌سازی

تاریخچه شبیه‌سازی به سال ۱۹۰۱ باز می‌گردد. در این سال هانس اسپمن جنین‌شناس آلمانی و برنده جایزه نوبل ۱۹۳۵ در فیزیولوژی و دارو، یک جنین دوسلولی سوسمار را به دو بخش جداگانه تقسیم کرد و با موفقیت، دو لارو متمایز ایجاد کرد. در سال ۱۹۰۳ گیاه‌شناسی به نام هربرت وبر، شبیه‌ساخته کلون را برای توصیف مجموعه‌ای از جانداران به کار برد که از طریق تولید مثل غیر جنسی از

یک والد به وجود می‌آیند (تیموری، ۱۳۸۴: ۷۵).

سال ۱۹۴۴ اسوالد اوری<sup>۱</sup> کشف می‌نماید که اسیدهای نوکلئیک سلولها، حاوی اطلاعات ژنتیک هستند.

سال ۱۹۵۲ بریگز<sup>۲</sup> و کینگ<sup>۳</sup> تعدادی بچه وزغ را شبیه‌سازی می‌کنند و در فوریه سال ۱۹۹۷ ویلموت<sup>۴</sup> و همکارانش در مؤسسه رازولین<sup>۵</sup> در اسکاتلند گزارش می‌دهند که یک گوسفند بالغ ۶ ساله را با استفاده از سلولهای پستان شبیه‌سازی کرده‌اند.

در دسامبر ۲۰۰۲ اولین شبیه‌سازی انسان یعنی تولد نوزادی معروف به حوا<sup>۶</sup> توسط شرکت معروف کلونید<sup>۷</sup> گزارش می‌شود. ژانویه ۲۰۰۳ شرکت کلونید تولد دومین بچه شبیه‌سازی شده را اعلام می‌دارد، اما شواهدی برای اثبات ادعاهای خود ارائه نمی‌دهد (همان: ۷۶).

## گفتار دوم: حکم و دلایل حرمت شبیه‌سازی از نظر اهل سنت

اکثر فقهای اهل سنت بر این باور بوده‌اند که شبیه‌سازی از نظر اعتقادی اشکالی ندارد اما اعمال آن از نظر فقهی مشکلاتی به بار می‌آورد که پذیرفتنی نیست. از این رو حکم به حرمت آن داده‌اند. هنگامی که توجه کنیم درمی‌یابیم شبیه‌سازی انسانی مسائلی مانند خلط نسب یا به هم خوردن نظام ارث و تعیین نسب مشخص شبیه‌سازی شده با شخص اصلی پیش می‌آورد، از این روست که فقها از این منظر دلایلی بر حرمت شبیه‌سازی انسانی اقامه کرده‌اند که از این پس در ذیل عنوان به ارائه آن دلایل و نقد آن می‌پردازیم:

1. Oswald Avery.
2. Briggz.
3. King.
4. Wilmut.
5. Roslin Institute.
6. Eve.
7. Clonaid.

## ۱- لزوم تولید مثل جنسی

طبیعی‌ترین راه تولید مثل انسانی، تماس جنسی است، شریعت اسلامی نیز از مسلمانان خواسته است تا تنها از این طریق به زاد و ولد پردازند. از این‌رو هرگونه تلاش در جهت تولید مثل که در آن این مکانیزم نباشد و یا حتی حذف شود از نظر اسلام ممنوع است.

کافی است نگاهی به آیات قرآنی در این باب داشته باشیم تا با سنت خدا در این مورد آشنا شویم. در سوره اعراف از شیوه معمولی تکثیر انسانی این‌گونه سخن رفته است؛ ﴿فَلَمَّا تَعَسَاهَا حَمَلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ﴾ (اعراف/ ۱۸۹) در آیات دیگری نیز همواره از این سنت سخن رفته است، در نتیجه می‌توان گفت که تنها روش مقبول اسلامی برای تولید مثل، تماس جنسی و آمیزشی است که طی آن گامتهای زن و مرد با یکدیگر متحد شده و زایگوت را تشکیل می‌دهند، اما چون در شبیه‌سازی انسانی، چنین چیزی وجود ندارد و بر این اساس اسپرم مرد در آن نقش ایفا نمی‌کند از نظر اسلام حرام است، محمد سید طنطاوی، رئیس الازهر بر اساس همین نگرش است که شبیه‌سازی انسانی را حرام دانسته و می‌گوید: «خروج الإنسان من غیر امتزاج ماء الرجل بماء الأنثی حرام» (مصباح، ۲۰۰۲: ۴۹). به تعبیر دیگر می‌توان استدلال نمود که تماس جنسی متعارف در ایجاد انسان موضوعیت دارد و نمی‌توان از هر طریق این موجود را ایجاد نمود.

در این جا به دو آیه استناد می‌شود که بر خلقت انسان از گامت مرد تکیه شده است. طبق استناد «رابطة العالم الاسلامی» شبیه‌سازی تغییر سنت خدا و آفرینش انسان است، در جایی که فرمود: ﴿يُخْرِجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ﴾ (طارق/ ۷)؛ که از میان صلب پدر و سینه مادر بیرون آمده است. و تغییر شیوه مشروع ایجاد نسل است ﴿ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ﴾ (سجده/ ۸)؛ آنگاه حقیقت نژاد بشر را از آب بی‌قدر مقرر گردانید. حال آنکه عملیات شبیه‌سازی مبتنی بر بازی با ژنهای انسان جهت رسیدن به نسخه‌ای مشابه است (ر.ک: slamonline.net).

نورالدین مختار الخادمی این‌گونه بر اهمیت آمیختن گامتهای نر و ماده تأکید می‌کند: به جز طریقه خلق آدم و عیسی راهی در اتحاد نطفه زوجین از طریق مشروع

وجود ندارد و درست نیست (الخادمی، ۱۴۲۵: ۲۰).

مجمع الفقه الاسلامی نیز در بیانیه نهایی خود بر مسئله التقای گامتهای مذکر و مؤنث به عنوان سنت خدا در خلق انسان گفته است: سنت خدا در خلق، آن است که مخلوق انسانی را از اجتماع دو نطفه که هر یک دارای مقداری از کروموزومهاست بیافریند (مجلة المجمع الفقه الاسلامی، ۱۴۱۸: ۶۰).

**نقد و بررسی:** طبق این دلیل برای تولید نسل باید به طور یقین آمیزش جنسی صورت گیرد و اگر از راهی جز تولید مثل باشد حرام خواهد بود.

**نخست:** این دلیل مستند به کدام نص است؟ در فقه، صدور حکم به وجوب یا حرمت نیازمند دلیل است. در کدام آیه یا حدیث نبوی آمده است که تولید مثل باید از مسیر آمیزش جنسی صورت گیرد؟ به نظر می‌رسد که نصی دال بر این مطلب وجود ندارد و مدعیان نیز نصی مؤید نظر خود ارائه نکرده‌اند.

**دوم:** آیاتی که مخالفان شبیه‌سازی انسانی به آنها استناد می‌کنند مانند: ﴿يُخْرِجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ﴾ (طارق/ ۷) گویای وجوب این کار نیست؛ بلکه بیانگر یک رخداد یا سنت الهی در تولید مثل است. خداوند در این آیه و آیاتی از این دست گزارش می‌دهد که بشر از مواد برآمده از «صلب» و «ترائب» یا «ماء دافق» آفریده شده است، اما از بیان این واقعیت، نمی‌توان حکم وجوبی استخراج کرد.

به تعبیر دیگر از وجود یک سنت، وجوب فقهی آن به دست نمی‌آید، بلکه می‌توان آن را جایز شمرد، برای مثال از زمان حضرت رسول اکرم ﷺ تا صد سال قبل، غالب مسلمانان با شتر به حج می‌رفتند. در قرآن کریم نیز به این حقیقت اشاره شده است. خداوند متعال خطاب به حضرت ابراهیم می‌فرماید که مردم را به حج فراخوان؛ آنان نیز با پای پیاده یا بر شترانی لاغر از راههای دور خواهند آمد (حج/ ۲۷). در این آیه تنها به دو شکل رفتن به حج اشاره شده است پیاده و با شتر طبق استدلال فوق، از این آیه باید نتیجه گرفت رفتن به حج با ماشین یا هواپیما حرام است، ولی چنین نیست.

**سوم:** طبق استدلال فوق، با نحوه تولد حضرت عیسی مشکل خواهیم داشت؛ زیرا همانطور که مخالفان شبیه‌سازی انسانی نیز قبول دارند، در مورد ایشان

روش طبیعی وجود نداشت و گفتنی است که این مسئله در متون مربوطه گاه به عنوان مؤیدی بر قدمت شبیه‌سازی انسانی به شمار می‌رود. حتی کسانی مانند قرضاوی خواسته‌اند به کمک شبیه‌سازی انسانی نحوهٔ ولادت حضرت عیسی یا معاد را اثبات کنند. نورالدین الخادمی می‌کوشد که این مسئله را حل کند (الخادمی، ۱۴۲۵: ۲۱).

**چهارم:** این نحو استدلال، شبیه استدلالی است که بر ضد حضرت مریم عَلِیْهَا السَّلَام اقامه شده، هنگامی که وی نوزادش را با خود به میان مردمش آورد، آنان با دیدن عیسی گفتند: ای خواهر هارون نه پدرت مرد بدی بود و نه مادرت بدکاره (مریم/ ۲۷) فرض آنان این باور عمومی بود که تنها راه باروری و تولید مثل راه طبیعی است. اما چون مریم عَلِیْهَا السَّلَام شوهر نداشته است پس -نعوذ بالله- از راه نامشروع باردار شده است. مخالفان شبیه‌سازی انسانی در این مورد نیز به طور عملی همین فرض را دارند. حال آنکه در طبیعت می‌توان راههای دیگری برای باروری جست و همه نیز جزء سنت خدا به شمار خواهد رفت. بدین ترتیب، این دلیل نمی‌تواند ادعای مخالفان را ثابت کند.

## ۲- اختلاط انساب

یکی از مباحث اساسی اصول فقه اهل سنت بویژه مذهب مالکی طرح مسئله «مقاصد پنجگانه کلی شریعت» است. از این منظر، هدف هر شریعتی از جمله اسلام، حفظ پنج مقصد و هدف اساسی زندگی یعنی حفظ دین، عقل، نفس، مال و نسب است (ریسونی، ۱۳۷۶: ۲۸) تشریح احکام تکلیفی و وضعی نیز در مجموع جهت حفظ این اهداف صورت گرفته است، برای مثال حرمت خمر برای حفظ عقل، حرمت سرقت برای حفظ مال، حرمت قتل برای حفظ نفس و حرمت زنا برای حفظ نسب است. بنابراین اسلام برای حفظ نسب که یکی از ضروریات و مقاصد پنجگانه اصلی به شمار می‌رود، احکامی را وضع کرده است که همه آنها در جهت حفظ نسب و رابطهٔ خونی میان مسلمانان قرار دارد. تعیین نوع خاص از ازدواج، همراه با شرایطی معین در همین مسیر است. تحریم زنا و انواعی خاص از نکاح که در دورهٔ جاهلیت

مرسوم بود مانند استبضاع<sup>۱</sup> ناشی از اهمیت حفظ نسب در اسلام است. همچنین تعیین عده برای زنان مطلقه کوششی است برای پیشگیری از خلط نسب، اما شبیه‌سازی انسانی این هدف اساسی و ضروری زندگی را از میان می‌برد و موجب خلط نسب می‌شود.

طنطاوی حکم فوق را به همین علت معلل می‌کند و می‌گوید: «والعلّة فی التّحریم، اختلاط الأنساب» (ر.ک: ریاض، ۲۰۰۳: ۲۴۱). نصر فرید واصل در سمینارهای متعددی اعلام کرد که شبیه‌سازی به دلایلی از جمله آنکه موجب خلط نسب می‌شود از نظر اسلام ممنوع و حرام است (ریاض، ۲۰۰۳: ۴۹). رابطهٔ العالم الاسلامی یکی از دلایل حرمت شبیه‌سازی انسانی را آن می‌داند که در اینجا خلط نسب حاصل می‌شود (رسالة من رابطة العالم الاسلامی، ۲۰۰۳: ۱۲۰) حال آنکه عملیات شبیه‌سازی مبتنی بر بازی با ژنهای انسان جهت رسیدن به نسخه‌ای مشابه است. شیخ عبدالقدیم زلوم نیز با مجاز شمردن شبیه‌سازی گیاهی، حیوانی و شبیه‌سازی جنینی شبیه‌سازی جسدی را به دلایلی از جمله مسئله «ضیاع انساب» یا گم‌گشتگی نسب حرام می‌داند (ریاض، ۲۰۰۳).

الخادمی می‌کوشد تا از طریق قیاس و الحاق شبیه‌سازی به موارد مختلف قائل به حرمت شود و می‌گوید: این کار شبیه نکاح استبضاع، نکاح در دوران عده، نکاح متعه و نکاح محارم است که مایهٔ هتک اعراض و انساب و مخالف فطرت سلیم زوجیت و روابط خانوادگی است. همهٔ این نکاحهای فاسد و شیوه‌های عجیب در نسل، در شبیه‌سازی انسانی موجود است که جز به هتک این مقصد کلی عام بنا نشده و جز بر مختل ساختن و لرزاندن منظومهٔ اخلاق، عقاید، روابط خانوادگی و اجتماعی استوار نیست. نکاح استبضاع، با شبیه‌سازی چه تفاوتی دارد! هر دو در وارد ساختن فردی اجنبی در رابطهٔ زوجیت که منحصر به زوجین است مشترکند. هر دو

۱. نکاحی در جاهلیت است که طی آن زن شوهردار پس از پاک شدن از عادت ماهیانه به خواستهٔ شوهرش خود را در اختیار مرد قوی‌هیکل دلاورتری قرار می‌دهد تا از او باردار شود و به این ترتیب فرزند نجیب‌زاده‌ای بیاورد این فرزند بعدها ملحق به همین شوهر، نه پدر واقعی‌اش می‌شد، اسلام این نکاح را تحریم کرد.

به ناشناختگی نسب و بر رسوخ جاهلیت عظمی و گمراهی بزرگ دلالت دارند و در جوهر حقیقت این مسئله مشترکند و تنها در نام و شیوه فرق می‌کنند (ریاض، ۲۰۰۳: ۲۱۱).

**نقد و بررسی:** در شبیه‌سازی انسانی مسئله میاه منتفی است، پس نوبت به خلط آنها نمی‌رسد. خلط میاه و انساب هنگامی رخ می‌دهد که چندین مرد با یک زن رابطه همزمان داشته باشند. در این حال اگر آن زن باردار شود و فرزندی به دنیا آورد، نمی‌توان طبق ضوابط شناخته‌شده و مرسوم شرعی، نه بر اساس آزمایش DNA پدر او را شناخت، اما می‌توان ادعا کرد که در شبیه‌سازی انسانی اگر نگوییم در همه موارد، حداقل در عمده موارد چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد، زیرا اگر دهنده هسته، پدر باشد، نسب نوزاد معین است و اگر هم خود مادر باشد باز نسب او معین است چنانچه دهنده هسته سلول فرد دیگری باشد، باز معلوم است که نوزاد ساختار ژنتیکی او را به ارث برده است، بنابراین به نظر نمی‌رسد که در هیچ موردی امکان خلط نسب وجود داشته باشد. تنها فرض محتمل آن است که بانک هسته و سلول تشکیل شود و ما بدون آنکه بدانیم این هسته از چه کسی است آن را جای هسته اصلی تخمک یک زن بگذاریم و به این ترتیب وی باردار شود، در این صورت خلط صورت گرفته است که فرض بعید است، زیرا فعلاً که چنین بانکی نیست؛ اگر هم شکل بگیرد به دلیل برخی مخاطرات و بیماریها که ممکن است از طریق هسته‌های ناشناخته منتقل شود، کسانی مانند گرگوری ای. پنس استفاده از آن را توصیه نمی‌کنند. به فرض هم که این کار انجام شود، باز دلیل فوق، اخص از مدعاست. از این رو اگر هم این دلیل را بپذیریم. باید گفت استفاده از هسته افراد ناشناس برای شبیه‌سازی انسانی به دلیل آنکه موجب خلط نسب می‌شود حرام است، اما این حرمت تنها یک جزء از شبیه‌سازی انسانی را در بر می‌گیرد و شامل شبیه‌سازی انسانی میان زوجین نمی‌شود. بنابراین در این جزء خلط نسب نیست، در نتیجه این دلیل در درجه اول ناپذیرفتنی است. اگر هم پذیرفتنی باشد تنها قادر به تحریم موارد خاص و اخص از مدعاست (اسلامی، مجله کاتولسی نو در فقه اسلامی: ش ۹۲/۴۵).

### ۳- ابهام در رابطه خویشاوندی

در تولید مثل جنسی و سنتی هیچ ابهامی درباره نسبت افراد با یکدیگر وجود ندارد. هنگامی که از طریق طبیعی (آمیزش جنسی) نطفه‌ای منعقد می‌شود و در رحم زن شروع به رشد می‌کند، رابطه او با پدر خانواده و زنی که او را در رحم خود پرورش می‌دهد، معین و معلوم است، یکی پدر اوست و دیگری مادر او، دیگر فرزندان خانواده برادران و خواهران او به شمار می‌روند، اما در شبیه‌سازی انسانی همه این روابط مبهم می‌شود و معلوم نیست که رابطه شبیه‌ساخته با زنی که او را در رحم پروراند است چیست؟ این مسئله اندکی با مسئله قبلی متفاوت است، در مسئله قبل فرض بر این بود که خلط نسب میان افراد حاصل شده و چه بسا فرزندان حرام‌زاده شکل بگیرند، اما در این بحث آن است که ما شاهد نوعی از روابط خواهیم بود که از نظر فقهی تعریف شده نیستند. فرض کنیم در خانواده‌ای دست به شبیه‌سازی انسانی بزنیم و فرزندی به وجود آید. این فرزند یا متعلق به پدر است یا مادر و نمی‌تواند همزمان به هر دوی آنان منتسب گردد، زیرا اگر هسته سلول از پدر و تخمک از آن زن باشد وی همه خزانة ژنتیکی پدر را به ارث برده و دیگر نسبت ژنتیکی با زنی که او را پرورده است ندارد اگر هم هسته سلول و تخمک هر دو از آن زن باشد فرزند تنها به زن تعلق دارد و دیگر نمی‌توان او را به آن مرد معلق ساخت. اینجاست که بر خلاف تولید مثل سنتی فرزند از نظر ژنتیکی تنها فرزند یک تن است (حتجوت، ۱۹۹۸: ۲۱-۲۳).

در اینجا مسئله خلط نسب رخ نداده است و مسئله این نیست که چه کسی پدر آن فرزند است، بلکه رابطه جدیدی شکل گرفته است که فقه برای آن حکمی ندارد، به این ترتیب در روابط خویشاوندی ابهامی حیرت‌انگیز رخ می‌دهد. دیگر آنکه فرض کنیم از هسته سلول جسمی مرد، زن او را باردار نمودیم و این کار در چارچوب زوجیت انجام شد، فرزندی که به دنیا خواهد آمد پسر است. در فرض اول گفته می‌شد که این فرزند تنها به پدر ملحق می‌شود، اما در اینجا حتی این مسئله محل تردید قرار می‌گیرد، چون جای این پرسش است که شخص شبیه‌سازی شده چه نسبتی با کسی دارد که هسته سلول از او گرفته شده است؟ آیا فرزند اوست یا

برادر او؟ و در مقابل می‌توان پرسید، پدر شخص شبیه‌سازی شده کیست؟ کسی که هسته از اوست یا پدر دهنده هسته و در نتیجه این دو برادر خواهند بود (الحاج اسمیر الرجیو، ۲۰۰۰: ۶۰).

دکتر توفیق علوان به این مسئله چنین پاسخ می‌دهد: فرزند به کسی تعلق دارد که هسته از او گرفته شده است، زیرا خزانه وراثتی والدین (صاحب هسته) را دارا می‌باشد، اما از نظر شرعی باید متخصصان امور دینی نظر دهند. همین سؤال درباره فرزند دختر صادق است؟ آیا دختری که به دنیا می‌آید، دختر زن دهنده تخمک است؟ یا دختر مادر آن زن و در نتیجه خواهر او؟ این پرسش درباره نسبت میان اشخاص شبیه‌سازی شده یک خانواده نیز پیش کشیده می‌آید. در حالت دیگری، اگر زنی نه ماه جنینی را که به هیچ وجه با او نسبت ندارد، بلکه از هسته سلول شوهر خویش است، در رحم خود پرورش دهد و بعدها بخواهد که خود جنینی از سلول خود داشته باشد، پس از مدتی مادر دارای دو فرزند دختر و پسر می‌شود که یکی نسخه شبیه‌سازی شده پدر است و دیگری به مادر تعلق دارد. در اینجا این دو با هم هیچ نسبتی ندارند و نمی‌توان آن دو را محرم یکدیگر نامید. حال آیا این دو می‌توانند با هم ازدواج کنند (القرضاوی، الاستنساخ بین العلم والدین: ۱۴۸، قابل دسترس در [islamonline.net](http://islamonline.net)).

قضیه در جایی پیچیده‌تر می‌شود که پای زن دیگری به میان کشیده شود؛ یعنی یکی دهنده تخمک باشد و دیگری تخمک بارور شده را در رحم خود پرورش دهد، در این صورت مادر حقیقی کیست؟ و مادر توهمی کدام است؟ (الخادمی، ۱۴۲۵: ۷۲) در اینجا برخی دو گزینه را پیشنهاد می‌کنند و برخی از سه مادر احتمالی نام می‌برند، اما مادر کیست؟ سه احتمال دارد؟ مادر صاحب تخمک است، مادر صاحب رحم، مادر کسی است که هسته از اوست؟

برخی در این زمینه چنان تصور می‌کنند که در آن فضا سنگ روی سنگ بند نخواهد شد و معتقدند: کار به جایی می‌رسد که فرزند پدر خود را پرورش می‌دهد و دختر صورت استنساخ شده مادرش می‌باشد (ریاض، ۲۰۰۳: ۱۳۰) به همین دلیل شبیه‌سازی انسانی را عملی ویرانگر برای تمام نهادهای مدنی و اجتماعی و از بین

برنده مقاصد شریعت دانسته، این گونه بر ضد آن موضع می‌گیرند. شبیه‌سازی مقصد حفظ نسب و عرض را در آستانه نابودی قرار می‌دهد و به هرج و مرج خانوادگی و فAMILI و طوفان اجتماعی می‌انجامد. ارزش مادری و فرزندگی و همسری و دیگر درجات خویشاوندی خونی و رابطه دامادی را که نظام هستی و سنن زندگی بر وفق آن بنیاد شده است تباہ می‌سازد. در نظام شبیه‌سازی به شناخت رابطه بین شخص شبیه‌سازی شده با دیگری، نه به طور قطع می‌توان پی برد و نه به طور ضمنی (الخادمی، ۱۴۲۵: ۶۹) «الولد للفراش وللعاهر الحجر» آیا شامل شخص شبیه‌سازی خواهد شد؟ زیرا این مولود به طور یقین از منی مرد نیست. حال اگر از هسته سلول کسی، شخصی را شبیه‌سازی کردیم، چه نسبتی با شخص اصلی خواهد داشت؟ آیا برادر خواهند بود؟ اگر هسته سلول کسی در تخمک دخترش کاشته شود فرزند به دنیا آمده چه نسبتی با وی خواهد داشت؟ خودش است یا برادرش یا نوه‌اش؟ (ریاض، ۲۰۰۳: ۹۸-۹۹) قرضای نیز در باب رابطه میان شخص اصلی و کسی که از او شبیه‌سازی صورت گرفته است این پرسش حیرت‌آور را مطرح می‌کند که: «آیا همان شخص است؟ با این اعتبار که نسخه مشابه اوست یا پدر اوست؟ یا برادر دوقلوی او؟ (القرضاوی، الاستنساخ البشري و تداعياته: ۶۸، قابل دسترس در [qaradawi.net](http://qaradawi.net)).

الخادمی نیز این فرض یا پرسش را پیش می‌کشد که اگر کسی هسته سلول شوهر خود را در رحم خود پروراند و جنین مذکر باشد در این صورت برادر شوهرش خواهد بود؟ یا شوهرش خواهد بود؟ و یا نسخه بدل او و یا فرزندش خواهد بود؟ (الخادمی، ۱۴۲۵: ۷۷) باز می‌گوید که اگر دختری که شیفته پدرش است هسته سلول او را در رحم خود بکارد و طفل به دنیا آید، این طفل پدر او خواهد بود یا برادر پدرش؟ (همان: ۷۸) ریاض احمد با توجه به ابهامات فوق هرگونه شبیه‌سازی انسانی را حتی در دایره زوجیت، حرام دانسته است.

**نقد و بررسی:** مفاد این دلیل آن بود که چون نمی‌دانیم نسبت شخص شبیه‌سازی شده با دیگر افراد خانواده چیست، پس این کار حرام است در این باره چند نکته گفتنی است.

یک: مفهوم ابوت و بنوت و مانند آن از حقایق عرفیه است نه از حقایق شرعیه.

شارع در اینجا نیز نظر خاصی ندارد و همان نظر عرف را تأیید کرده است. طبق مبنای عرفی اگر فرزندی در کادر زوجیت و در میان خانواده‌ای زاده شد فرزند زوجین به شمار می‌رود و هیچ دلیل دیگری نیز نمی‌خواهد. اگر همه ادله فقهی و قضاوت‌های حضرت رسول صلی الله علیه و آله را بررسی کنیم می‌بینیم که معیار الحاق فرزند به والدین آن بوده است که نخست ازدواجی شرعی میان آن دو وجود داشته باشد و دیگر آنکه آنان فرزند را به خود ملحق ساخته باشند و او را از آن خود بدانند. افزون بر این دو شرط، شرط دیگری وجود ندارد نه مشابهت فرزند به والدین و نه چیز دیگر.

از این رو حتی هنگامی که کسی نزد پیامبر آمد و معترضانه گفت که رنگ نوزاد به من نرفته است پس فرزند من نیست، پیامبر صلی الله علیه و آله او را قانع ساخت که فرزند اوست. اهل سنت نیز این مطلب را فراوان در همین مباحث مطرح می‌کنند. بنابراین برای حفظ نسبت‌های خانوادگی از نظر شرعی روش طبیعی لازم است و نه تطابق ژنتیکی میان فرزند و والدین بلکه نسبت خانوادگی یک امر عرفی است و اسلام نیز این امر را امضا کرده است. در نتیجه طبق عرف هنگامی که زن و شوهری دارای فرزند می‌شوند والدین او خواهند بود.

از این رو اثبات ابوت نیاز به دلیل شرعی ندارد، کافی است که کسی فرزند را از آن خود بداند و دلیلی بر خلاف آن وجود نداشته باشد. اما درباره مادر مسئله اندکی فرق می‌کند و آن هم مسئله تولد است. از نظر شرعی کسی فرزند زنی به شمار می‌رود که از او متولد شده باشد. این نظر در حقیقت تابع فهم عرفی است.

از این رو در برابر این ابهام که گاه کسانی به دلیل پنداری غیر منطقی از همسر خود، زن را بر خویش حرام می‌پنداشتند، قرآن کریم فرمود: «إِنَّ أُمَّهَاتَهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ» (مجادله / ۲)؛ بلکه مادر ایشان جز آنکه آنها را زاییده نیست. تأکید بر ولادت نیز به معنای آن نیست که ولادت به طور یقین شرط کافی و لازم مادری و فرزندی است. از این رو اگر فرض کنیم که به دلیلی ناچار شدیم جنین یک ماهه‌ای را از رحم زنی از راه جراحی سزارین خارج کنیم و موفق شدیم که او را زنده نگه داریم بی‌گمان آن زن مادر او به شمار خواهد رفت، اگرچه از نظر عرف از او متولد نشده باشد.

دوم: حال باید دید که در شبیه‌سازی انسانی چه ابهامی در روابط خانوادگی پیش می‌آید؟ فرض کنیم که زوجین ناباروری از طریق تخمک زن و هسته سلول شوهر شبیه‌سازی انسانی کردند. اهل سنت این کار را نیز حرام می‌دانند و در این مورد کسی مانند محمد سلیمان الاشری یکی از دلایل حرمت را به هم‌ریختگی اوضاع شرعی می‌داند (الاشری، ۱۹۹۸: ۳۴۵). طبق این استدلال نمی‌توان فرزند را به پدر نسبت داد، زیرا آن سلول با منی شوهر بارور نشده است. پس فرزند او به شمار نمی‌رود، نوزاد را به پدر شوهر نیز نمی‌توان نسبت داد زیرا «الولد للفراش» (همان: ۳۴۵).

حال می‌پرسیم چه دلیل شرعی وجود دارد که تخمک باید به طور یقین با گامت شوهر بارور شده باشد؟ در حالی که پدری به دلیل رنگ پوست و مانند آن در نسب فرزند خود تردید می‌کند ولی پیامبر او را از این تردید باز می‌دارد؟ ما چگونه می‌خواهیم بر ضرورت باروری تخمک با گامت پدر پافشاری کنیم؟ مفاد این سخن آن است که باروری با گامت پدر باید احراز شود و این کار در گذشته دشوار بوده است. آیا مفاد «الولد للفراش» یعنی آنکه زمانی می‌توانیم فرزندی را به پدرش نسبت دهیم که مطمئن باشیم اسپرم او در تولید آن فرزند نقش داشته است؟ یا آنکه وجود رابطه زوجیت و عدم دلیل بر خلاف در انتساب ولد به پدر کافی است؟ در اینجا نیز نباید از آن اصل کلی عدول کرد که احراز امتزاج برای الحاق ولد لازم نیست. بلکه احراز خلاف آن، شرط نفی ولد است. باروری از راه طبیعی در فقه اسلامی شرط نبوده است پس از این جهت الحاق به پدر اشکالی ندارد و فرزند به پدر ملحق می‌گردد. اما اینکه گفته می‌شود نوزاد را به پدر شوهر نمی‌توان نسبت داد چرا باید فرض کنیم که این نوزاد از پدر شوهر است؟ یکی از فرضهای عجیب آن است که اگر از طریق شبیه‌سازی انسانی فرزندی زاده شد این فرزند چون از هسته سلول مرد گرفته شده است و سلول نیز از ماء یا گامت پدر صاحب سلول پدید آمده است، پس این فرزند فرزند او به شمار می‌رود. در پاسخ این فرض می‌توان گفت که این شخص به دهنده هسته ملحق می‌شود و فرزند او به شمار می‌رود. نه به پدر او و در اینجا فهم عرفی کافی است. عرف نیز او را فرزند این فرد می‌شمارند نه پدر او. در این گونه امور کسی که اقدام به شبیه‌سازی انسانی می‌کند نوزاد احتمالی را فرزند



خود می‌داند نه فرزند پدر و در نتیجه برادر خود.

ریاض احمد عوده‌الله می‌گوید اگر هسته شوهر در تخمک همسرش گذاشته و در رحم او کاشته شود حرام است، زیرا طفلی که زاده می‌شود برادر شوهرش خواهد بود نه پسرش، پس همه صور شبیه‌سازی انسانی حرام است (ریاض، ۲۰۰۳: ۱۳۰) و به استناد حدیث حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که فرمود: «الولد للفراش» نتیجه می‌گیرد که این فرزند به زوج یعنی پدر ملحق می‌شود و او پدر شرعی آن طفل به شمار می‌رود (همان: ۲۱۱).

حال جای این پرسش است که حضرت فرمود: «الولد للفراش» اما نفرمود «الأخ للفراش» از این رو آیا طبق حدیث می‌توان برادر را پسر به شمار آورد؟

سوم: برخی در این مورد تا جایی پیش می‌روند که علاوه بر نفی پدر، می‌خواهند نشان دهند فرزندی که شبیه‌سازی شده است حتی مادر ندارد. طبق نظر دکتر حسن علی شاذلی از آنجا که تخمک از هسته تهی شده است و هسته مرد جای آن گذاشته شده است جنین صفات و خصوصیات ژنتیکی مادر را به ارث نمی‌برد پس وی مادر جنین نخواهد بود و نقش مادر نقش پروراننده است نه ایجادکننده و تنها ظرفی است برای نگهداری جنین (نادر، ۲۰۰۱: ۲۹۳-۲۹۴).

یعنی پدری و مادری زمانی است که هر یک نیمی از ساختار وراثتی خود را به فرزند انتقال دهند. از این منظر اگر تخمک زن از هسته خالی شود وی دیگر مادر فرزند نخواهد بود هر چند باز تا ۳٪ از ساختار فرزند را تأمین می‌کند که این مقدار نقش چندانی ندارد، بنابراین شبیه‌سازی شده که سابق پدر نداشت اینک بی‌مادر نیز شده است. نکته اینکه در جایی از فقه اسلامی در تعریف مادر نیامده است که مادر کسی است که نیمی از ساختار ژنتیکی فرزند خود را تأمین کند.

تا چندی پیش تصور حاکم آن بود که همه یا عمده صفات ارثی از پدر به فرزند به ارث می‌رسد و مادر ظرفی بیش نیست. در فرهنگ عربی این مسئله جدی‌تر بود تا جایی که می‌گفتند: بنونا، بنو أبناءنا و بناتنا بنوهن أبناء الرجال الأبعاد (پسران پسران ما پسران ما هستند و پسران دختران ما پسران مردان بیگانه هستند).

در چنین فضایی به طور معمول این بحث مطرح نبود که مادر چه نقش وراثتی

دارد و چقدر این نقش جدی است، از این رو فقه نیز تابع همین نگرش عمومی بوده است، لذا ولادت ملاک مادری بوده و هست چه از طریق تخمک کامل و با هسته باشد و چه تخمک بی‌هسته، شارع فراش را ملاک لحوق فرزند به پدر و ولادت را ملاک لحوق وی به مادر دانسته است.

**چهارم:** به فرض که در مواردی ممکن است در واقع ابهامات پیچیده‌ای در نسب حاصل شود، می‌توان آن موارد خاص را معین نمود و از نظر شرع حرام دانست یا طبق قانون ممنوع نمود. برای مثال جهت پیشگیری از زایش فرزندان بی‌پدر می‌توان گفت هسته سلول جسمی زن را جهت گذاشتن در تخمک خودش منع کرد یا تحریم نمود یا طی بخشنامه‌ای به مراکزی که در آینده به این کار اقدام خواهند کرد از آنان خواست که برای این کار، ضوابط خاصی را رعایت کنند. از این رو به دلیل ابهام در موارد خاص نمی‌توان حکم به حرمت همه موارد داد.

**پنجم:** برخی برای نشان دادن شأنیت شبیه‌سازی انسانی گاه پیچیدگی آن را مطرح و با نمایاندن زشتی آن اصل شبیه‌سازی انسانی را تخطئه می‌کنند. یکی از این جزئیات این است که اگر دختری که شیفته پدرش است هسته او در رحم خود بکارد و طفلی به دنیا آورد، این طفل پدر او خواهد بود یا برادرش یا فرزندش؟ غافل از آنکه این شکل متوجه شبیه‌سازی انسانی نیست و می‌توان عین همین شکل را به گونه دیگری نشان داد. در فرض فوق اگر بگوییم دختری شیفته پدرش است و از او فرزندی آورد چون این عمل موجب ابهام نسب می‌شود می‌توان آن را طبق قانون یا شرع منع کرد، نه اینکه به دلیل دشواری در یک گزینه کل پروژه را نفی کرد. سخن کوتاه اینکه از ابهام در روابط خانوادگی نمی‌توان حرمت شبیه‌سازی انسانی را نتیجه گرفت.

#### ۴- نبود پدر در موارد خاص

در تولید مثل جنسی همواره دو نفر در ایجاد جنین نقش دارند، اما شبیه‌سازی انسانی به لحاظ نظری این امکان را فراهم می‌سازد که بتوان بدون وجود پدر، شخصی را شبیه‌سازی کرد. کافی است که ما یک تخمک و یک هسته سالم سلول در اختیار

داشته باشیم و این دو ممکن است از یک تن باشد یعنی می‌توان هسته سلول جسمی زنی را در تخمک بی‌هسته او وارد ساخت و آن را در رحم همان زن کاشت، اینجاست که ما از پدر بی‌نیاز می‌شویم و می‌توانیم اشخاصی بی‌پدر ایجاد کنیم. از سوی دیگر لازمه حمایت از نسب به عنوان یکی از مقاصد شریعت اسلامی داشتن پدر برای تمام اشخاص است به همین سبب شبیه‌سازی انسانی ناقض یکی از اهداف شارع است. از این رو باید شبیه‌سازی انسانی را از نظر فقهی حرام دانست شیخ عبدالقدیم زلوم یکی از دلایل مخالفت خود را با شبیه‌سازی انسانی همین مسئله می‌داند و آن را ناقض مقاصد شریعت می‌شمارد (ریاض، ۲۰۰۳: ۲۰۵).

**نقد و بررسی:** در پاسخ این استدلال می‌توان تنها به دو نکته اشاره کرد.

**نخست:** به فرض که چنین باشد. در کجای فقه آمده که تولید فرزند از راه غیر جنسی و بدون نیاز به پدر حرام است؟ در اینجا نیز زنایی در کار نیست. عمل خلاف شرعی نیز صورت نگرفته است، پس حرمت این کار خودش جای بحث دارد. مدعیان در اینجا هیچ دلیل فقهی دال بر حرمت بدون پدر بودن به دست نداده‌اند.

**دوم:** بر فرض اینکه از نظر شرعی درست باشد، اما باز این دلیل اخص از مدعاست در این صورت در جایی که زوجین و در کادر زوجیت فرزندی را شبیه‌سازی کنند این اشکال پیش نخواهد آمد و اگر این دلیل وارد باشد تنها موارد خاص از شبیه‌سازی را تحریم کرده است نه هر نوع شبیه‌سازی را.

نورالدین مختار الخادمی بر این باور است که با شبیه‌سازی انسانی به طور اساسی مفهوم پدری یکسره از میان می‌رود؛ زیرا وی فرض را بر این می‌گذارد که در شبیه‌سازی انسانی هیچ مردی نقش ندارد و در نتیجه هیچ اثری از پدر در وجود نوزاد شبیه‌سازی شده دیده نمی‌شود (الخادمی، ۱۴۲۵: ۷۲).

وی می‌گوید: مگر آنکه هسته از پدر گرفته و در تخمک مادر کاشته شود در این صورت است که پدر نیز در تحقق جنین نقش خواهد داشت وی آنگاه ادعا می‌کند که این تنها یک فرض است و هنوز محقق نشده است (همان: ۷۳). وی به این مورد که می‌رسد، یعنی جایی که مسئله ابوت حل می‌شود و دیگر از این جهت اشکالی متوجه شبیه‌سازی انسانی نخواهد بود، ادعا می‌کند که این تنها یک افتراض

نظری است لیکن مفاسد شبیه‌سازی انسانی را چنان با قطع و جدیت مطرح می‌سازد که گویی همه آنها را خود دیده و شاهد فراوان انسان شبیه‌سازی شده بوده است.

## ۵- ابهام در نفقه و ارث

از نظر برخی عالمان اهل سنت شبیه‌سازی انسانی موجب مخدوش شدن یکی از احکام فقه مانند نفقه و ارث می‌شود؛ زیرا پیامد منطقی ابهام در روابط خانوادگی آن است که فقیه نمی‌داند چه کسی از چه کسی ارث می‌برد و چه کسانی مشمول نفقه‌اند، برای مثال آیا دختری که از هسته سلول جسمی مادر خود شبیه‌سازی شده است، از شوهر آن زن ارث خواهد برد. هرچند به لحاظ ژنتیکی فرزند او به شمار نرود؟ و آیا این کار خلاف یکی از مقاصد پنجگانه شریعت یعنی حفظ مال نخواهد بود؟ سلیمان الاشر (۲۰۰۱: ۳۲)، عبدالقدیم زلوم (ikwaninfo.net) و عبدالهادی مصباح (۱۴۱۸: ش ۱۱۲/۱، قابل دسترس در mideastnnet.com) از این منظر به نقد شبیه‌سازی انسانی پرداخته و آن را حرام دانسته‌اند.

**نقد و بررسی:** در این مورد نیز دو نکته گفتنی است:

**نخست:** همان طور که گذشت در درجه اول چنین ابهامی پیش نمی‌آید و کافی است که طبق همان مخالفان به استناد قاعده «الولد للفراس» فرزندی را که در دایره زوجیت شبیه‌سازی شده است به والدین ملحق سازیم، در نتیجه دیگر مشکل ارث و نفقه نیز حل خواهد شد. اگر کسی را طبق قاعده فراس به والدین خود ملحق ساختیم، نسبت او با عمو و خاله و دیگر طبقات فامیلی نیز روشن می‌گردد. تعیین دیگر مراتب خویشاوندی نیز وظیفه فقهاست.

**دوم:** اگر هم این اشکال وارد باشد و بتوان آن را جدی شمرد، شبیه‌سازی انسانی تنها در موارد خاص که منجر به ابهام در روابط انسانی و در روابط خویشاوندی می‌شود، کار حرام است، اما در دایره زوجیت این کار مجاز خواهد بود. بنابراین این دلیل به فرض تمامیت، باز ناقص است.

## ۶- از بین رفتن نهاد ازدواج و نابودی خانواده

افزون بر مشکلات فوق شبیه‌سازی انسانی در درازمدت به نابودی نهاد خانواده و از

بین رفتن اصل ازدواج می‌انجامد. نهادی که همواره مورد تأکید شارع و اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است، اگر هر کس بتواند به سادگی انسانی را شبیه‌سازی کند و برای این کار نیازی به ازدواج نداشته باشد، چه ضرورتی برای تن دادن به ازدواج و تحمل مشکلات آن وجود دارد؟ به همین دلیل قرضای شبیه‌سازی انسانی را مخالف سنت ازدواج می‌شمارد (القرضاوی، ۲۰۰۳: ۲۴۵، قابل دسترس در qaradawi.net). دبیر کل رابطه العالم الاسلامی آن را به دلیل آنکه مایه نابودی خانواده که اساس اجتماع است دانسته تحریم می‌کند (رسالة من رابطه العالم الاسلامی، ۲۰۰۳: ۹۶، قابل دسترس در islamonline.net).

**نقد و بررسی:** طبق این دلیل هنگامی که هر کس این امکان را یافت که به سادگی فرزند دلخواه خود را شبیه‌سازی کند نهاد ازدواج از بین خواهد رفت و این سنت دینی متروک خواهد ماند، اما این دلیل نیز از اثبات مدعا ناتوان است و میان مقدمات و نتیجه آن ارتباط منطقی برقرار نیست. در اینجا مفروض مدعیان آن است که انگیزه و هدف اصلی از ازدواج تولید مثل است. از این رو می‌گویند اگر تولید مثل بدون ازدواج ممکن گردد، این نهاد برچیده خواهد شد. پس تا زمانی که فرد می‌تواند خود را شبیه‌سازی کند ازدواجی در کار نخواهد بود (غنییم، ۱۹۹۸: ۱۴۰) در نقد این مسئله تنها به نکات زیر اشاره خواهد شد.

**اول:** این دلیل بر دو فرض اصلی استوار است. یکی آنکه هدف اصلی ازدواج تولید مثل است. دیگر آنکه شبیه‌سازی انسان را بی‌نیاز از ازدواج می‌نماید. اگر این دو فرض اثبات شوند این دلیل کارایی فراوانی خواهد داشت و می‌تواند به خوبی موضع مخالفان شبیه‌سازی انسانی را تقویت کند.

**دوم:** مقصود از اینکه هدف و انگیزه اولیه مردم از ازدواج تولید مثل است چیست؟ این ادعا را به دو صورت می‌توان تقریر کرد. یکی آنکه مردم آگاهانه و از سر قصد ازدواج می‌کنند تا تولید مثل کرده و فرزندی برایشان حاصل شود. دیگر آنکه آنان به هر دلیلی ازدواج کنند، نتیجه ازدواج به طور معمول به تولید مثل منجر می‌شود. در سوره قصص آمده است آل فرعون موسی را از آب برگرفتند تا برای آنان دشمن و مایه اندوه باشد. «فالتقطه آل فرعون لیکون لهم عدواً وحرزاً» (قصص/ ۸)؛ اهل

بیت فرعون موسی را از دریا گرفت تا در نتیجه دشمن و مایه اندوه فرعون شود. مفسران در اینجا درباره حرف لام گفته‌اند که این لام برای تعلیل نیست بلکه لام غایت است یعنی این کار فرعون به طور عملی به زیان او انجامید و او ناخواسته و نادانسته دشمن خویش را در دامان خود پرورش داد. در دلیل فوق نیز باید این مطلب روشن شود و به تعبیر فنی علت و انگیزه از غایت و نتیجه بازشناسی گردد، آیا هدف و انگیزه مردم از ازدواج، تولید مثل است یا غایت آن تولید مثل است. اگر مقصود مدعیان آن است که هدف و انگیزه و قصد آگاهانه مردم از ازدواج تولید مثل است. به این معنا که آنان برای آنکه فرزندی به دست آورند دست به این اقدام می‌زنند، کلیت این سخن ناپذیرفتنی است ممکن است افراد معینی با انگیزه‌های اقتصادی یا برای داشتن عصای پیری ازدواج کنند.

اما غالب ازدواجها با این انگیزه نبوده و نیست و واقعیات بیرونی و مشاهدات فراوان و دستاوردهای زیستی، نه تنها این ادعا را تأیید نمی‌کند، بلکه درست بر خلاف آن است که سالها قبل از آنکه مردی به فکر تولید مثل باشد ذهنش مشغول جنس مخالف شده و جذب او می‌گردد. این جذب اگر نیرومند شد به ازدواج می‌انجامد و مدتی بعد از ازدواج است که به فکر تولید مثل می‌افتد.

تنها در صورتی می‌توان شبیه‌سازی انسانی را مغایر نهاد ازدواج دانست که مدعی شویم، افراد چون می‌خواهند فرزندی داشته باشند به ازدواج تن می‌دهند و چون شبیه‌سازی انسانی این هدف را تأمین می‌کند به طور عملی بساط ازدواج برچیده خواهد شد که اثبات این ادعا نیز سخت و دشوار است.

البته در صورتی می‌توان با شبیه‌سازی انسانی مخالفت کرد و آن را حرام دانست که غریزه جنسی انسان را از بین ببرد و به طور اساسی افرادی فاقد هرگونه تمایل جنسی بیافرینند، طوری که دیگر به سوی ازدواج گام برنخواهد داشت و تصور آن را نیز نخواهند کرد و فریب طبیعت را نیز نخواهند خورد از قضا ذهن خلاق کسانی نیز این ایده را طرح کرده است.

محور عدنان سالم، مدیر کل دارالفکر، نایب رئیس اتحاد ناشران عرب و رئیس کمیسیون حمایت از حق حاکمیت معنوی بر این نظر است و این گونه استدلال

می‌کند. مفروض آن است که شخص استنساخ‌شده، زادهٔ تکثیر غیر جنسی است و چیزی از مسائل نمی‌داند، در نتیجه هیچ تمایل جنسی ندارد و چیزی از ازدواج و خانواده نمی‌داند (فضل‌الله، ۱۹۹۷: ۲۲۱) گویندهٔ فوق فرض کرده است که معنای تولید مثل غیر جنسی آن است که شخص شبیه‌سازی شده خودش خشتی است یا هیچ میل جنسی ندارد و یا نیازی به خانواده ندارد. اگر شبیه‌سازی انسانی چنین نتیجه‌ای را در برداشته باشد، می‌توان از آن حرمت شبیه‌سازی استنتاج کرد، اما واقع آن است که شبیه‌سازی این پیامد را ندارد.

سوم: مقصود از اینکه بگوئیم شبیه‌سازی بر بی‌نیازی از یکی از دو جنس و اکتفا به یک جنس استوار است دقیقاً چیست؟ آیا مقصود این است که در شبیه‌سازی انسانی علاوه بر ضرورت وجود هستهٔ سالم و تخمک و رحم، باید شرط دیگری نیز فراهم شود و آن اکتفا به تنها یک جنس است؟ اگر مقصود چنین است که این ادعا خطاست و کسی چنین ضرورت و یا شرطی را اعلام نکرده است و قرضای نیز برای اثبات نظر خود توضیح نمی‌دهد که کدام متخصصان گفته‌اند که شبیه‌سازی انسانی ازدواج را از میان خواهد برد و باید به طور منطقی نشان دهد که شبیه‌سازی انسانی مستلزم جنس واحد است این بستگی به انتخاب و قانونگذاری ما دارد که چه باید کرد بدین ترتیب ملازمه‌ای منطقی میان شبیه‌سازی انسانی و نابودی نهاد ازدواج وجود ندارد.

## ۷- از بین رفتن مفهوم مادری

بر اثر رواج شبیه‌سازی انسانی نه تنها ازدواج متلاشی خواهد شد، بلکه حتی مفهوم مادری همراه با معنای عاطفی آن از میان می‌رود و رابطهٔ فرزند و مادر رابطهٔ میان دو شیء خواهد شد، نه دو انسان. از نظر ریاض احمد، این کار به مسخ غریزهٔ مادری می‌انجامد، زیرا رحم را به تنها ابزاری برای حفظ جنین تبدیل می‌کند (ریاض، ۲۰۰۳: ۱۳۶). مادری که برای زایمان و پرورش جنین خود زحمت نکشد، حس مادری نخواهد داشت.

تأکید بر این جنبه هنگامی جدی‌تر می‌شود که مسئلهٔ شبیه‌سازی انسانی با مسئلهٔ

رحم اجاره‌ای یا مادر جایگزین پیوند بخورد. در مواردی مادر اصلی که دارندهٔ تخمک است به دلایلی نمی‌تواند تخمک بارور شده را در رحم خود پرورش دهد؛ از این رو آن را در رحم زن دیگری جای می‌دهند تا نقش مادر میانجی را بازی کند. این کار به مورد شبیه‌سازی انسانی اختصاص ندارد، بلکه در ناباروریهای معمولی نیز می‌توان از آن استفاده کرد، اما فراهم شدن این امکان، خود موجب شده است تا به شبیه‌سازی انسانی حملهٔ دیگری شود و این کار را مایهٔ از میان رفتن مفاهیم اساسی و سنتی مادری بدانند.

از نظر قرضای، این از بدعتهایی است که تمدن غرب معاصر، آن را ایجاد کرده است بدین ترتیب غربیان با معنای زیبا و شریف مادری بازی کرده و آن را فاسد ساخته‌اند (عارف، ۱۴۲۰: ۱۰۶). در چنین فضایی است که مادری به معنای قرآنی آن از میان خواهد رفت (الاستنساخ البشري قنبله العصر: ۱۴۴).

نقد و بررسی: در نقد دلیل چند نکته گفتنی است:

یک: در این دیدگاه مادری یعنی درد کشیدن و رنج بردن و کسی که رنج نبرد مادر نیست. قرضای در نقد شبیه‌سازی انسانی ادعا می‌کند که این کار موجب می‌شود که زنان بازیگر و خواننده در پی رحم مصنوعی باشند و با این کار تناسب اندام خود را حفظ نمایند. این کار اشتباه است؛ زیرا مادری رنج و سختی است و تنها اعطای تخمک نیست. ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِالْوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَرْهًا وَوَضَعَتْهُ كَرْهًا﴾ (احقاف/ ۱۵)؛ و ما انسان را به احسان در حق پدر و مادر سفارش کردیم، مادر با رنج و زحمت بار حمل کشید و باز با درد و مشقت وضع حمل نمود. در این آیه آمده است که دوران باروری و زایمان برای مادر همراه با رنج و درد است.

بی‌شک مادری که زایمان طولانی و پردرد داشته است از احترام بیشتری ممکن است برخوردار باشد و فرزندان نسبت به او تکلیف اخلاقی سنگین‌تری دارند، اما این به معنای آن نیست که مفهوم مادری در جایی ناقص است و در جای دیگر کامل. آیهٔ فوق ناظر به معمول بارداریهاست نه اینکه لزوماً باید بارداری با درد باشد.

دو: فرض دیگر این است که در شبیه‌سازی انسانی، وظیفهٔ مادری میان دو تن و گاه بیشتر تقسیم می‌شود. یعنی تخمک از یکی است، بارداری از دیگری و گاه

هسته از زن سومی است (عوضی، ۱۹۹۹: ۴۴).

خلاصه این فرض آن است که در شبیه‌سازی انسانی به جای یک مادر دو مادر وجود دارد و این مسئله به تضعیف و از بین رفتن مفهوم مادری می‌انجامد، اما اگر فرض کنیم که در شبیه‌سازی انسانی همان زنی که دهنده تخمک است زیگوت را نیز در رحم خود می‌پروراند، بنیاد فرض فوق فرو می‌ریزد و اعتبار خود را از دست می‌دهد. هیچ دلیل منطقی میان شبیه‌سازی انسانی و تعدد و یا وحدت مادر وجود ندارد و نمی‌توان از این مسئله به سود یا زیان شبیه‌سازی انسان بهره گرفت، از این رو این فرض نیز ناپذیرفتنی است و دلیلی موجه که نشان دهد شبیه‌سازی انسانی مفهوم مادری را از میان خواهد بود وجود ندارد (الخدومی، ۱۴۲۵: ۱۸-۲).

### ۸- امکان شکل‌گیری روابط نامشروع

هنگامی که اساس خانواده متلاشی شد و هر کس توانست آن گونه که می‌خواهد شخص مورد نظر خود را شبیه‌سازی کند امکان رواج انواع روابط جنسی نامشروع حتی میان اعضای خانواده و محارم پیش خواهد آمد و انحرافات اخلاقی افزایش خواهد یافت و چه بسا شخص شبیه‌سازی شده به مادرش علاقه‌مند شود و بخواهد با او ازدواج کند (مصباح، ۱۴۱۸: ش ۱۰۶/۱، قابل دسترس در mideastnment.com) بیانات در این عرصه چنان گسترده و گاه ناخوشایند است که از طرح آنها می‌گذریم.

**نقد و بررسی:** فرض فوق به گونه‌ای جدی‌تر و محتمل‌تر درباره مادر رضاعی ممکن است پیش آید و رابطه شیری میان آن دو مانع از تحقق این گونه احتمالات خواهد گشت. این فرضی است جدی و عقلایی حال چرا باید این تصور بیمارگونه را به ذهن راه دهیم که فردی در رحم زنی به مدت نه ماه زندگی کند و بخش عمده‌ای از وجودش را مدیون او باشد و به طور احتمال به وسیله همان زن بزرگ شود اما پس از بلوغ تمایل جنسی به آن زن پیدا کند؟ آیا پرورش درون رحم عمیق‌تر و استوارتر از شیردهی نیست.

در ضمن طبق فرضی که گذشت و به همان دلیل باید نهاد مادر رضاعی نیز برچیده شود، زیرا همان قوت و چه بسا با احتمالی قوی‌تر ممکن است زن بسیار

جوانی به نوزادی شیر دهد و آن نوزاد پس از بلوغ شیفته او شود و به این ترتیب تمایل نامشروعی به او پیدا کند. از این رو از باب سد ذرایع برای پیشگیری از این قبیل مسائل باید فتوا به حرمت رضاع داد.

### ۹- گسترش و ترویج همجنس‌گرایی

این مسئله به ویژه برای همجنس‌گرایان خیلی جدی است؛ چون از سویی خواستار فرزند هستند و از سوی دیگر نمی‌خواهند به ازدواج متعارف با ناهمجنس تن در دهند، اینجاست که یا باید دست از انحرافات جنسی خود بکشند و یا آنکه گزینه فرزندخواهی خود را سرکوب کنند، اما شبیه‌سازی انسانی این مشکل را برای آنان حل می‌کند. شبیه‌سازی بر اساس اکتفا به یک جنس و بی‌نیازی از جنسی دیگر استوار است تا آنجا که یکی از زنان گفت به زودی این سیاره تنها از آن زنان خواهد بود (القرضوی، ۲۰۰۳: ۲۱۵، قابل دسترس در qaradawi.net).

کارم سید غنیم نیز بر این مسئله تأکید می‌کند که این کار موجب می‌شود تا افراد همجنس به یکدیگر اکتفا کنند و از ناهمجنس بی‌نیاز شوند (اریک، ۱۹۵۸: ۱۵۶). محمد رأفت عثمان عالم الازهر رئیس دانشگاه الازهر می‌گوید: در این صورت هسته سلول یک زن در تخمک زن دیگری ادغام می‌شود؛ زیرا طبق ادله اصولی و فقهی و نصوص موجود استمتاع دو همجنس از یکدیگر مساحقه یا لواط و حرام است. همچنین طبق قاعده سد ذرایع می‌توان به حرمت شبیه‌سازی انسانی میان دو زن حکم کرد، زیرا اگر این کار میان زنان رواج یابد رنج و زیانهای متعدد روحی و اجتماعی متوجه فرزند خواهد شد (رأفت عثمان، ۲۰۰۰: ۱۲۸، قابل دسترس در islamonline.net).

دبیر کل رابطه العالم الاسلامی بر این مسئله از جنبه قانونی و جرم‌شناسی آن انگشت گذاشته می‌گوید: «مشابهت جسمانی مانع از بازشناسی مجرم از شبیه وی می‌گردد» (الجدی، ۱۴۱۰: ۴۰۷).

**نقد و بررسی:** استفاده احتمالی و حتی قطعی گروهی منحرف از این تکنیک و حتی اعلام شبیه‌سازی انسانی برای زوج همجنس‌گرا، نباید دلیل استوار بر ضد

شبهه‌سازی انسانی به شمار آید و کاری که باید انجام شود نشان دادن نتایج مستقیم و منطقی این عمل است و این کاری است که در غالب متون از آن یاد شده است (الجدی، ۱۴۱۰: ۵۸).

### ۱۰- سوء استفاده مجرمان

طبق تصور غالب در میان مخالفان شبهه‌سازی انسانی این تکنولوژی می‌تواند دهها و صدها فرد همانند را بی‌هیچ امکان متفاوت و تمایزی پدید آورد. آنگاه دشواریهای فراوانی برای بازشناسی افراد از یکدیگر پدیدار می‌شود، هنگامی که پدری در تشخیص فرزندان دوقلوی خود دچار مشکل می‌شود، بازشناسی صدها نفر که در تمام ویژگیهایشان به طور کامل شبیه یکدیگر باشند، نه تنها دشوار است، چه بسا محال باشد. قضاوی می‌گوید: شبهه‌سازی انسانی این امکان را برای ما فراهم می‌آورد تا از یک شخص، دهها یا صدها شخص را بدون نیاز به والدین، ازدواج و خانواده پدید آورد (مصباح، ۱۴۱۸: ش ۹۸/۱). عبدالوهاب خلیل که رئیس تحقیقات پلیس جنایی در مصر می‌باشد با اشاره به دشواری حاصل از تشابه کامل میان شبهه‌سازی شدگان و عدم امکان بازشناسی مجرم از غیر او و امکان افزایش جرایم، خواست که شبهه‌سازی تحریم شود. وی همچنین مدعی شد که انسان شبهه‌سازی شده، مجهول الهویه خواهد بود (نادر، ۲۰۰۱: ۱۰۳).

دبیر کل رابطة العالم الاسلامی می‌گوید: «مشابهت جسمانی، مانع از بازشناسی مجرم از شبیه وی می‌گردد» (الجدی، ۱۴۱۰: ۴۰۷).

به دلیل همین تصورات یکی از دلایل مخالف با شبهه‌سازی انسانی، امکان سوء استفاده مجرمان بوده است و از این امکان به حرمت شبهه‌سازی انسانی حکم کرده‌اند.

**نقد و بررسی:** این دلیل بر این پندار خطا استوار است که می‌توان به گونه‌ای مکانیکی، دهها و به گفته قضاوی صدها تن را شبهه‌سازی کرد. حال آنکه این تصور نادرست است. این باور، از طریق گفته‌های علمی، تخیلی، تصویر نادرستی از واقع امر پدید آورده که موجب بدفهمی فراوان در این عصر شده است. ساختن صد انسان همانند، و به طور کامل مشابه، به فرض امکان بر خلاف تصور کسانی که می‌پندارند تنها

یک هسته لازم دارد و چند تخمک، علاوه بر امکانات دیگر، نیازمند وجود صد رحم به طور کامل یکسان است؛ زیرا خود مدعیان نیز می‌پذیرند که در اولین تکنولوژی نیز تا ۳٪ از عوامل ژنتیکی از سوی مادر و از طریق تخمک منتقل می‌شود، بدین ترتیب به یقین باید آن صد رحم و صد تخمک به طور کامل یکسان باشند.

افزون بر آن باید محیط رحمی نیز در دوران بارداری نه ماهه به طور کامل یکسان شود و صدها عامل دیگر، که در نهایت ایجاد یکصد شخص به طور کامل مشابه را محال یا در حد محال می‌سازد (الاشتر، ۲۰۰۰: ۳۴۲).

این معضل در سطح علمی درباره دوقلوهای یک تخمکی وجود دارد. اگر مشابهت فیزیکی در شبهه‌سازی انسانی تا نهایت ۹۰٪ باشد، در دوقلوهای یک تخمکی به ۹۹٪ می‌رسد و این نکته‌ای است مقبول همگان که درصد شباهت در مورد دوقلوه‌ها بیشتر است. در پاسخ عده‌ای می‌گویند: جایز است که کسی دو پدر و یا دو مادر داشته باشد مانند مادر واقعی و رضاعی. در شبهه‌سازی فرایندی رخ می‌دهد که باید مورد توجه قرار گیرد، مانند انتقال خون که مانند رضاع موجب محرمیت است. پس انسان دارای دو پدر و مادر خواهد بود: یکی حقیقی و دیگری خونی. در نتیجه حکم شبهه‌سازی جواز ابتدایی است. حتی اگر درباره انسان انجام شود؛ زیرا: ۱- حرمت، نیازمند دلیل است و قول به جواز موافق اصل ۲- استدلالات مخالفان بر نتایج مترتب بر این کار استوار است و این کار غیر منطقی است؛ زیرا نتایج جای علل را گرفته‌اند و این معکوس ساختن مسئله است (برزنجی، ۱۴۲۳: ۱۷۵) مجموعه دلایلی است که از نظر فقهی بر ضد شبهه‌سازی انسانی اقامه شده است اما با کمی دقت به نظر می‌رسد که هیچ یک استوار نمی‌باشند و یا کاستی دارند یا به فرض درستی نمی‌توانند همه موارد شبهه‌سازی انسانی را تحریم کنند و یا آنکه به طور معمول خارج از موضوع به شمار می‌روند. از میان این دلایل فراوان، حتی یک دلیل که بتواند با قدرت و از نظر فقهی و طبق مبانی و اصول فقهی مورد قبول خود اصل سنت باشد، دیده نمی‌شود. برخی از دلایل بر فرض قوت با مواضع دیگر اهل سنت در مورد مشابه ناسازگار است و آنان در موارد مشابه از حکم مشابه پیروی نکرده و احکام دوگانه‌ای صادر کردند.

## نتیجه گیری

این مقاله با نقد و بررسی ادله فقهی اهل سنت نشان داد که تنها راه تولید مثل انسانی راه طبیعی آن نمی باشد، بلکه یکی از راهها شبیه سازی می باشد.

اهل سنت و برخی دیگر با ادله فقهی به تحریم مطلق و یا گونه ای از شبیه سازی پرداخته و نتوانسته اند این نوآوری علمی را بپذیرند. آنان شبیه سازی انسانی را حرام می دانند و بر ضد آن دلایل فراوانی اقامه می کنند. از نظر آنان شبیه سازی به دلایلی از جمله: از بین بردن نهاد ازدواج و نابودی خانواده، ابهام در روابط خویشاوندی، از بین بردن مفهوم مادری و نبود پدر و مادر در موارد خاص، ابهام در نفقه و ارث و... حرام است؛ زیرا باعث تضعیف باورهای دینی، تغییر خلق الله ﴿...فلیغیرن خلق الله...﴾ و نقض کرامت انسانی است. نوع تلقی آنان از آیات مربوط به تغییر خلقت، سبب شده است تا شبیه سازی تولیدی را نوعی دست بردن در خلقت پندارند و تنها برخی از علمای آنان (قرضاوی، وهبه الزحیلی و رأفت عثمان) شبیه سازی درمانی را جایز دانسته اند.

## کتاب شناسی

۱. اریک، چارلی، *رمانهای تخیلی زندگی بدون مردان*، ۱۹۵۸ م.
۲. اسلامی، سیدحسن، *مجله کاوشی نو در فقه اسلامی*، ش ۴۵.
۳. الاشر، سلیمان محمد، *الاستنساخ فی میزان الشریعة الاسلامیه*، بیروت، المهدیه الاسلامیه، ۲۰۰۰ م.
۴. همو، *الحوادث الاجتماعیه فی الفقه*، بیروت، الرساله، ۲۰۰۱ م.
۵. برزنجی، منذر طیب و شاکر غنی العادلی، *عملیات اطفال الانابیب و الاستنساخ البشری فی منظور الشریعة الاسلامیه*، بیروت، الرساله، ۱۴۲۳ ق.
۶. تیموری، محمد، *شبیه سازی انسان و حقوق بشر معاصر*، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران، ۱۳۸۴ ش.
۷. الجندی، احمد، *رؤیه اسلامیه لزراعه بعض الاعضاء البشریة: ثبت کامل لاعمال ندوة الرؤیه الاسلامیه لزراعه الاعضاء البشریة المنعقدة بتاريخ ۲۳ ربیع الاول ۱۴۱۰*، اشراف و تقدیم عبدالرحمن عبدالله العوضی، کویت، المنظمة الاسلامیه للعلوم الطبیة، ۱۹۹۴ م.
۸. الحاج اسمیر الرجیو، عبدالستار، *الهندسة الوارثیه و الاستنساخ البشری فی القرآن الکریم*، موصل، الانتصار، ۲۰۰۰ م.
۹. حتوت، خالد، *الاستنساخ و الارابینون*، دار الفرقان، ش ۴۰، ۱۹۹۸ م.
۱۰. حسینی پڑوه، خسرو، *شبیه سازی و فناوری سلولهای بنیادی*، انتشارات علمی و صنعتی ایران، ۱۳۸۴ ش.
۱۱. الخادمی، نورالدین مختار، *الاستنساخ البشری بدعة العصر: فی ضوء الاصول والقواعد والمقاصد الشرعیة (بحث محکم من قبل مرکز البحوث والدراسات الاسلامیه)*، بیروت، دار وحی القلم، ۱۴۲۵ ق.
۱۲. رأفت عثمان، محمد، *فتاوی فقهیه حول المستجدات العلمیه*، قابل دسترس [islamonline.net](http://islamonline.net) به تاریخ ۲۴/۷/۲۰۰۰.
۱۳. *رسالة من رابطة العالم الاسلامی فی مکة المکرمة بشأن عملیات الاستنساخ البشری*، قابل دسترس در [islamonline.net](http://islamonline.net) به تاریخ ۲۰۰۳/۲/۵.
۱۴. ریاض، احمد عوده الله، *الاستنساخ فی میزان الاسلام*، اردن، عمان، دار اسامه، ۲۰۰۳ م.
۱۵. ریسونی، احمد، *اهداف دین از دیدگاه شاطبی*، ترجمه سیدحسن اسلامی و سیدمحمدعلی ابهری، قم، مرکز انتشارات تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۱۶. زلوم، عبدالقدیم، «الاستنساخ البشری و رأی القرضاوی فیه»، قابل دسترس در «مواقع الاخوان» به آدرس [ikwaninfo.net](http://ikwaninfo.net).
۱۷. صارمی، ابوطالب، *شبیه سازی (کلونینگ)*، ویراست دوم، خلوص، ۱۳۸۲ ش.
۱۸. عارف، علی عارف، «الأم البديلة (و الرحم المستأجر)»، *المعرفة الاسلامیه*، سال پنجم، ش ۱۹، ۱۴۲۰ ق.
۱۹. العوضی، رؤیه اسلامیه لبعض المشكلات الطبیة المعاصرة ثبت کامل لاعمال ندوة الرؤیه الاسلامیه لبعض المشكلات الطبیة المعاصرة المنعقدة فی الدار البیضاء بتاريخ ۱۱-۱ صفر ۱۴۱۸، الجزء الثاني (الاستنساخ)، اشراف و تقدیم دکتر عبدالرحمن عبدالله العوضی، کویت، المنظمة الاسلامیه للعلوم الطبیة، ۱۹۹۹ م.

۲۰. غنیم، کارم السيد، الاستنساخ و الانجاب بين تخريب العلماء و تشریح السماء، قاهره، دار الفكر العربي، ۱۹۹۸ م.
۲۱. فاضلی (مصاحبه با رئيس سابق پژوهشکده رويان)، کاوشی در فقه اسلامی، ش ۴۴.
۲۲. فضل الله، حسين و ديگران، الاستنساخ: جدل العلم والدين و الاخلاق، اشراف هانی رزق اعداد و تحرير عبدالواحد علواني، دمشق، دار الفكر، ۱۹۹۷ م.
۲۳. القرضاوی، يوسف عبدالله، الاستنساخ بين العلم و الدين، قابل دسترس در [islamonline.net](http://islamonline.net).
۲۴. مجلة المجمع الفقه الاسلامی، الدورة العاشرة، الدرود العاشر، الجزء الثالث، المملكة العربية السعودية، ۱۴۱۸ ق.
۲۵. مصباح، عبدالهادی، الاستنساخ بين العلم و الدين، قاهره، الدار المصرية اللبنانية، ۲۰۰۲ م.
۲۶. همو، «الاستنساخ البشرى على مائدة الحوار»، مجلة نور الاسلام، وابسته به الازهر، ش ۱، ۱۴۱۸، قابل دسترس در [mideastnnet.com](http://mideastnnet.com) به تاريخ ۲۰۰۳/۹/۲۸.
۲۷. نادر، جمال، الاستنساخ حقائق علمية و فتاوى شرعية، عمان، دار الاسراء، ۲۰۰۱ م.
28. Human cloning and human dignity, Ect.

